

۱۶۲۷۳
۱۶۹۳۳

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در قرآن و سیره نبوی

نویسنده: دکتر اصغر قائندان*

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۴ بهار ۱۳۸۶

چکیده

قرآن کریم به عنوان منشور وحدت مسلمانان، تأکید فراوانی بر اتحاد و انسجام مسلمانان و فراتر از آن، مؤمنان (اهل کتاب) دارد و «امت واحده» را به عنوان راهبردی بسیار مهم برای ایجاد این اتحاد و انسجام مطرح می‌سازد. خداوند همه پیروان انبیای الهی، به ویژه پیروان آخرین رسول خویش را تحت لوای «امت» وحدت و اتحاد و دوری از تفرقه دعوت می‌کند. در این دایره، تمامی مردم، سرتیتر از نژاد، ملیت، قومیت، نسب، زبان و حتی مذهب قرار می‌گیرند. خداوند، ابتدا موانع تشکیل امت واحده را از جمله برتری طلبی قومی، نژادی، دینی و مذهبی، قبیله‌گرایی و تفاخر به آبا و اجداد محکوم و مطرود می‌کند و در مرحله بعد، مسلمانان را به عنوان امت برگزیده معرفی و برای ایجاد اتحاد بین آنان پیوند برادری برقرار می‌نماید. رسول گرامی اسلام (ص) نیز با الهام از آموزه‌های قرآنی کوشیدند تا با برقراری دو پیمان مهم: یکی پیمان مدنی یا همزیستی مسالمت‌آمیز در مدینه و دیگری پیمان مؤاخاة و برادری، هم اتحاد ملی و هم انسجام اسلامی را محقق سازند؛ چیزی که امروزه ضرورت آن را مقام معظم رهبری به شایستگی تشخیص دادند و سال جاری را سال اتحاد ملی و انسجام ملی نامیدند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سنت نبوی، سیره، امت، امت واحده، وحدت، مؤاخاة، اتحاد

وحدت و اتحاد، همواره از پایه‌های قوام و استواری جامعه بوده است. جامعه‌ای که وحدت و انسجام در آن وجود داشته و چون یک جسم واحد، بین اعضای آن پیوستگی و ارتباط وجود داشته باشد، همواره در برابر دشمنان و تهدیدهای بیرونی، محکم و استوار در جهت رشد و تعالی خویش گام بر می‌دارد. اما جامعه‌ای که در آن تشتت و پراکندگی و اختلاف وجود داشته باشد، موانع رشد و اعتلای خود را در درون خویش پرورش داده، در نهایت با یک ضربه و تهاجم بیرونی دچار تهدید و فروپاشی می‌شود. بدیهی است مقوله وحدت و اتحاد، یکی از ضرورت‌های هر جامعه محسوب می‌گردد. گاهی وحدت و اتحاد می‌تواند در سایه سرزمین مشترک، زبان مشترک و نژاد مشترک شکل گیرد و گاهی بر پایه دین و مذهب. گاه می‌تواند همه با هم عامل وحدت تلقی شوند و گاه نیز ممکن است عوامل تفرقه و اختلاف باشند. بدیهی است هرگونه تعصب افراطی بر این مقوله‌ها می‌تواند وحدت را دچار آسیب سازد. در قرون گذشته استعمارگران و قدرت طلبان برای سلطه بر کشورهای دیگر کوشیده‌اند تا برای ایجاد شکاف و اختلاف، بر یکی از مقوله‌های فوق در داخل آن کشورها تعصب و حساسیت خاصی ایجاد کنند. گاهی در قالب ناسیونالیسم قومی و ملی‌گرایی و تعصب بر خاک و زمین، گاهی در قالب تکثرگرایی و پلورالیسم، گاهی در قالب سوسیالیسم و گاهی نیز در قالب مذهب کوشیده‌اند تا اتحاد و انسجام جهان اسلام را دچار مخاطره سازند. نمونه عینی آن تلاش‌های استعمارگران اروپایی در قرون گذشته برای ایجاد شکاف و اختلاف در سرزمین‌های تحت سلطه امپراطوری عثمانی است که توانستند به راحتی آن امپراطوری وسیع و گسترده را تجزیه و در قالب شعارهایی چون: ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، استقلال خواهی و... این بیمار شرق را به حال احتضار در آورده و آن را میان خود قسمت کنند. آنان در عصر حاضر نیز با اتخاذ همان روش، می‌کوشند تا با تقویت قومیت‌گرایی و سایر موانع وحدت، به ویژه تشدید اختلافات بین شیعه و سنی و سایر مذاهب، در جهان اسلام شکاف و تفرقه ایجاد کنند تا بتوانند بر امور آنان مسلط شوند. ایجاد اتحادی بزرگ در

قالب اسلام و به عبارت و تأکید مقام معظم رهبری «انسجام اسلامی» می‌تواند برای غرب بسیار تهدیدزا و خطر آفرین باشد. بر این اساس، آنان می‌کوشند تا در منطقه خاورمیانه جنگ مذاهب، جنگ تمدنها و جنگ قومیتها را شعله‌ور سازند تا در سایه آن، منافع و مطامع استعماری خود را محقق سازند.

از آنجا که جهان اسلام می‌تواند با توجه به نکات مشترک، از جمله: پرستش خدای واحد، قبله واحد، دین واحد اصول اعتقادی و دینی واحد، صرف نظر از اختلافات و تفاوت‌های جزئی به یک اتحاد و انسجام اسلامی دست یابد، باید با توجه به آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی در چنین مسیری گام بردارد و از دو منبع گرانبهای قرآن و سنت الهام گیرد.

الف) اتحاد و وحدت در آموزه‌های قرآنی

۱. راهبرد امت واحد

اتحاد و وحدت در آموزه‌های قرآنی جایگاهی والا و عظیم دارد. خداوند احد و واحد، که یکی از صفاتش وحدانیت و یگانگی است، بشر را امر فرموده که ضمن پرستش خدای واحد، به توحید و یگانگی ذات الهی اقرار کند: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». بر همین اساس، صفت وحدانیت را سرلوحه خویش قرار دهند و به آن تمسک جویند: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳). یکی از وظایف و رسالت‌های اصلی رسولان الهی دعوت به توحید، پرستش خدای واحد و عدم پرستش خدایان متعدد است که فلسفه اصلی نبوت و حتی شریعت است: «شرع لكم من الدين ما وحي به نوماً و الذی اوحينا اليك... ان اقيموا الدين و لا تتفرقوا فيه...» (شوری، آیه ۱۳). بر این اساس، یک محور اساسی برای اتحاد بین پرستندگان حد ربوبی برقرار می‌گردد و آن محور پرستش خدای واحد است. اگر همه به طور یکسان خدای واحد را پرستند و به او رو کنند، بدیهی است تفرقه و پراکندگی در میان آنان معنایی نخواهد داشت. خداوند برای تحقق این وحدت و یگانگی، تشکیل امت واحد را ترسیم می‌کند. اصطلاح «أُمَّت» اگر چه در ظاهر، معنا و

مفهومی-دینی دارد، اما در آن جنس ناس و مردم اعضای آن را تشکیل می دهند که صرف نظر از نژاد، زبان، ملیت، نسبت، حسب و قبیله در قالب دین پیوند می خورند: «و کان الناس امة واحدة». امت در حقیقت می تواند هم مسلمانان و هم غیر مسلمانان (اهل کتاب) را در معنای وسیع تری اعم از قوم، قبیله، عشیره، نژاد و حتی ملت (در اصطلاح امروزی) و مذهب و دین در خود جای دهد. بنابراین می توان آن را معادل شعب نیز دانست که در قرآن کریم به خلقت انسانها در قالب آن اشاره شده است: «وجعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا...» (مجات، آیه ۱۳). اما در اصطلاح، «امت»، گروه بزرگی از مردم را شکل می دهد که دارای زبان یکسان یا دین واحد یا سرزمین جغرافیایی یکسانی باشند. براین اساس برخی مواقع در قرآن، - این واژه ۶۵ مرتبه مورد استفاده قرار داده شده است - امت با پسوندی چون واحده به کار رفته که اهمیت اتحاد و یگانگی در امت را بیان می کند. حتی ضرورت تأکیدی آن در جای دیگر مبین قید نفی است: «و ماکان الناس الا امة واحدة...» (یونس، آیه ۱۹). به عبارتی؛ یعنی اینکه همه مردم جز یک امت واحده نیستند و این استراتژی بزرگی است که اگر محقق می گردید تمامی مردم جهان پیرامون آن به اعتصام الهی چنگ می زدند و مدینه فاضله و آرمانی انسانها در قالب این اتحاد و انسجام انسانی، که البته درون مایه ای دینی و مذهبی دارد، محقق می گردید.

۲. راهبرد امت برگزیده (اسلامی)

اما نمونه و به عبارتی عصاره و برگزیده امت، همان پیروان اسلام و در حقیقت امت محمد(ص) هستند که خداوند آنان را بهترین و ایده آل ترین امت؛ «کتتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و مؤمنون بالله...» (آل عمران، آیه ۱۱۰) پایه عبارت دقیق تر امت وسط یا برگزیده؛ «و کذلک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره، آیه ۱۴۳) دانسته است. این امت، آخرین امت روی زمین خواهد بود؛ چرا که پیامبرشان بر خلاف امم پیشین، ختم رسولان است و در پایان حلقه زنجیری رسولان الهی قرار می گیرد، با این تفاوت که او برای همه جهانیان است نه برای قوم و عشیره خود: «قل یا ایها الناس انی

رسول الله اليكم جميعاً الذي...» (اعراف، آیه ۱۵۸). بر این اساس، این امت برگزیده است که باید نماینده اراده الهی بر روی زمین و جانشین خداوند و به عبارتی؛ وارث زمین گردد و نرید ان من علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» (نقص، آیه ۵) و این مستضعفین به شرط آنکه بندگان صالح و مؤمن خداوند باشند، زمین را به ارث (سلطه) خواهند برد: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر، ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (انبیاء، آیه ۱۰۵)... «و ما ارسلناک الا رحمہ للعالمین» (انبیاء آیه ۱۰۷). بر این اساس، رسالت پیامبر (ص) رسالت جهانی است و امر گسترش و دعوت دین در میان همه مسلمانان بر عهده این امت قرار دارد، که می توان آن را جهانی شدن و جهانی سازی دینی دانست. این نکته امروزه جاذبه فراوانی در میان قدرتهای جهانی دارد. آنها می کوشند تا جهان را زیر سلطه خود بگیرند، در صورتی که این امر را خداوند به مسلمانان که به استضعاف کشیده شده اند وعده داده است. آیا این وعده جز با اتحاد و انسجام اسلامی و ملی محقق خواهد شد؟ بدیهی است پاسخ به این سؤال منفی است. خداوند برای ایجاد اتحاد بین امت - امت برگزیده - راهکارهایی را به صراحت و روشنی بیان می دارد.

۳. اخوت و برادری رمز اتحاد اسلامی

حضرت ربوبی راهبرد دیگری را برای این امت برگزیده مطرح می کند که در بعدی محدودتر و نازل تر از امت واحده قرار می گیرد و آن اتحاد داخلی است؛ یعنی اتحاد میان پیروان یک دین و به عبارتی؛ همان «بهترین امت». در این راهبرد بر خلاف امت واحده که همه مردم و به عبارتی ابنای بشر و ناس را در بر می گیرد، محدوده اش کوچک تر و دایره اش محدودتر است و آن ایجاد اخوت و برادری بین مسلمان و مؤمنان است. این اخوت و برادری می تواند از مبانی اتحاد در جامعه و انسجام در دین باشد. خداوند همه مؤمنان را برادر یکدیگر می داند: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین احویکم...» (حجرات، آیه ۱۰) و نیز در جای دیگر می فرماید: «وان طائفتان من المومنین اقتلوا فاصلحوا بینهما...» (حجرات، آیه ۹)؛ اگر در بین دو گروه (مسلمان) جنگ و نزاع پیش آمد بر شماست که بین آنها صلح

برقرار سازید. بر این اساس، کسانی که در حکم برادران دینی خوانده شده‌اند، نباید به نزاع و درگیری با یکدیگر پردازند و اگر چنین کردند وظیفه مسلمانان است که بین آنان آشتی و اتحاد و صلح برقرار کنند.

۴. موانع اتحاد و اخوت

راهبرد بعدی ترسیم شده از سوی خداوند که البته آن را می‌توان استراتژی بازدارندگی نیز نامید، در میان جامعه مؤمنان و مسلمانان مطرح می‌شود. استراتژی پرهیز از قبیله‌گرایی و افتخار و تفاخرات قبیله‌ای و نسب و حسب می‌تواند وحدت مسلمانان را در برابر مشرکان تضمین و آنها را از هر گونه سلطه بر مسلمانان باز دارد. بدیهی است که یکی از آفتهای وحدت، قبیله‌گرایی می‌باشد. اگر چه خداوند مردم را از قبایل و شعبها آفرید: «وخلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا» (حجرات، آیه ۱۳)، اما این قبیله‌گرایی نیست که باید اصل قرار گیرد، بلکه تقوی مایه برتری و فضیلت است: «ان اکرکم عند الله اتیکم». خداوند انسانها را از نفس واحد آفرید و سپس زوجی برای آنان قرار داد و نسلشان را گسترش داد و مردان و زنان زیادی از میان آنان به وجود آورد: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منها زوجین و من فیما رجلاً کثیراً...» (نساء، آیه ۱). پس همه این قبایل و شعب، به نسلی واحد بر می‌گردند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوی و این است رمز اتحاد و برادری. اتحاد و برادری از قواعد لطف الهی است که شامل حال تازه مسلمانان شد؛ زیرا آنان در عصر جاهلیت با یکدیگر اختلاف و درگیری داشتند که عمده آن برخاسته از تعصبات قبیله‌ای و حمایتهای جاهلی، نژادی و نسبی بود. خداوند این نعمت و لطف را به آنان بیان می‌دارد: «واذکروا نعمه الله علیکم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخواناً...» (آل عمران، آیه ۱۰۳) و از ایشان می‌خواهد که گذشته خود را به یاد آورند که چگونه بذر نفاق و اختلاف میان آنان پراکنده شده بود و به نعمت اسلام، اتحاد و برادری جایگزین آن گردید. این گونه تذکار الهی نشان از سیر تکوینی آن استراتژی بزرگ؛ یعنی وحدت در فلسفه آفرینش و

خلقت است؛ زیرا خداوند متعال در اصل آفرینش و برای مردم، اخوت و مودت و رحمت قرار داده است. تنها بندگان ناسپاس بوده‌اند که بر خلاف فطرت خویش و خواست الهی رو به تفرقه و تشتت رفته و می‌روند و خود را از الطاف الهی محروم می‌سازند. پس خداوند به آنها مؤکداً امر می‌کند که تفرقه و اختلافی که در میان مشرکان به سبب حزب‌گرایی و قبیله‌گرایی آنان است، نباید در میان شما راه یابد؛ زیرا آنان به سبب شرکشان متفرقند و شما به سبب توحیدتان متحد: «ولاتکونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم و کانو شیعاً کل حزب بما لدیهم فرحون» (روم، آیه ۱۳۰). این توصیه به دوری از اختلاف تا آنجا مورد توجه قرار می‌گیرد که خداوند آن را مایه ضلالت و گمراهی، پس از آمدن یبینه و حجت می‌داند و به مسلمانان توصیه می‌کند که همچون امتهای پیشین که رسولانی بر ایشان فرستادیم با ادله و یبینه روشن (معجزه) باز هم به تفرقه خود ادامه دادند: «ولاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات» (آل عمران، آیه ۱۴۰). بدیهی است کسانی که با توجه به نزول یبینه و حجت، باز هم در مسیر اختلاف و تفرقه گام برمی‌دارند نباید جز کران و کوران باشند که حقیقت وحدت را درک نمی‌کنند: «صم بکم عمی فهم لایعقلون».

ثمرات وحدت و عواقب تفرقه

خداوند پس از تأکید فراوان بر وحدت به عنوان محور اساسی نبوت و دین، زیانهای مترتب بر عدم رعایت این اصل اساسی را نیز گوشزد می‌فرماید که از بین رفتن انسجام، اقتدار و استحکام جامعه است: «فتشملوا و تذهب ریحکم...» (انفال، آیه ۴۶). خداوند برای بشر تنها یک مسیر و راه را پذیرفته و خواسته است در آن راه گام بردارد؛ از حرکت در راههای پراکنده منع فرموده است: «... ولا تتبعوا اسبیل فتفرق بکم عن سبیل» (انعام، آیه ۹) که اگر در راههای پراکنده حرکت کنند از راه اصلی که آن غایت و هدف خلقت و فطرت بشر است؛ یعنی رسیدن به وحدانیت و اتحاد، باز خواهند ماند. از این رو چراغ هدایت آن مسیر را ولایت و رهبری می‌داند که همان اطاعت از نبی است: «اطیعوا الله و رسوله و

لاتنازعوأ... و باید مردم از خداوند و رسول او اطاعت کنند تا آنان را به راه هدایت رهنمون سازد و آنچه را نهی می کند از آن دور کنند: «ما اتاكم الرسول مخزوه و ما تهاکم عنه فانتھوا» (حشر، آیه ۷). امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر، شاخص و محور حق بودن رسول خدا (ص) را چنین تشریح می فرمایند:

«واردد والی الله و رسوله ما یضلحک من الخطوب و یشبهه علیک من الامور فقد قال الله تعالی لقوم اجب ارشادهم: یا ایها الذین آمنوا طیعوا الله و ... فالردالی الله: الاخذ بمجکم کتابه والردالی الرسول الاخذ بسته الجامعه غیر الفرقة» (نهج بلاغه، ۱۰۰۸)؛ [در امور و مشکلاتی که برای تو مشتبه شده و ممکن است تو را به کژی، انحراف و اعوجاج بکشاند، به خدا و رسول او رجوع کن که خدای متعال به کسانی که دوست داشته آنان را ارشاد کند، چنین توصیه فرموده است... پس رجوع به خدا؛ یعنی توجه کامل و روی آوردن و عمل کردن به محکمت قرآن، و رجوع به سنت رسول؛ یعنی روی آوردن و عمل کردن به سنت و سیره او. نه عمل کردن به برخی و کنار نهادن برخی دیگر.]

برای وحدت ثمرات و برکات فراوانی قابل احصا هستند، علاوه بر اقتدار و عظمت و عزت یک جامعه، اتحاد می تواند روح تعاون، همکاری و تکافل اجتماعی را به دنبال آورد. اعضای یک جامعه همانند یک بدن واحد و اندام متصل اگر به هم پیوسته باشند می تواند میکروبها و آفات مضر (دشمنان) را از خود دور سازند و برای محیط خویش امنیتی قابل توجه فراهم آورند که از گزند دشمنان حفظ گردد. در چنین اجتماعی است که هیچ کس احساس تنهایی و بی هویتی نمی کند. غرور ملی، عزت و نفوذ ناپذیری و سلطه ناپذیری، پرورش انسانهای بزرگ و متعالی، اقتدار و توانمندی، همه و همه در سایه وحدت و انسجام اسلامی صورت خواهد پذیرفت.

«یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة و لاتستجوا خطوات الشیاطین انه لکم عدو مبین» (طه، آیه ۲۰۸) خداوند همه مؤمنان را دعوت کرده است که در این راه وارد شوند و از راههایی که دشمن ایشان؛ یعنی شیطان برایشان فراهم ساخته پیروی نکنند تا ثمرات این شجره طیبه؛ یعنی وحدت را درک کنند و از آن بهره ببرند.

تنها در سایه وحدت است که مشرکان و سلطه‌جویان و کافران از تسلط بر کیان و افراد جامعه اسلامی ناتوان خواهند بود: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء، آیه ۱۴۱) و این خواست خداوند است، البته با این شرط که آنان مؤمن باشند. در حقیقت، این ایمان است که شرط برتری مسلم و راز تسلیم ناپذیری مؤمن در برابر کافر است و ایمان مرز جدایی با شرک و کفر است که خداوند از آن با عنوان ریسمان محکم الهی (عروة الوثقی) یاد می‌کند: «و من یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها...» (بقره، آیه ۲۵۶).

براین اساس، مؤمنان هرگز تن به ذلت و خواری در برابر مشرکان نمی‌دهند و آنان را ولی و راهبر خود نمی‌دانند: «ولا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء» (آل عمران، آیه ۲۸) و اگر ایمان داشته باشند نباید از هیچ چیزی بترسند و اندوهناک باشند: «ولا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان کتمت مؤمنین» (آل عمران، آیه ۱۳۹).

مرجع حل اختلاف

خداوند ضمن آنکه به وحدت و پرهیز از اختلاف توصیه می‌کند، اما آن را محال نمی‌داند و برای حل اختلاف در صورت وجود، خدا و رسول (ص) را مرجع اصلی حل اختلاف می‌داند: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کتمت تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تأویلاً» (نساء، آیه ۵۹). بر این اساس، ابتدا خداوند و سپس رسول او محور وحدت و یگانگی هستند که باید از آنان تبعیت محض کرد. اما حضرت حق، سومین محور و مرجع حل اختلاف را مسلمانان مصلح می‌داند و این وظیفه را از عهده مردم زایل نمی‌کند و آن را از وظایف امت در کنار امام هم می‌بیند: «وان طائفتان من المؤمنین اختلفتا فاصلاهما بین...» بدیهی است امکان دارد بر حسب غرایز بشری، خودخواهی‌ها، کینه‌ها و سلطه‌جویی‌ها بین مسلمانان هم - حتی مؤمنانشان - نه تنها اختلاف، بلکه جنگ و نزاع پیش آید. لذا مردم (مسلمانان) باید بین این دو طایفه صلح برقرار و اختلافاتشان را حل کنند و اگر یکی به دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگند تا به حکم خداوند فرود آید و

تن دهد. با این حال، رهبری و وحدت رهبری است که می‌تواند بین همه مسلمانان آشتی برقرار کند. انحراف و عدم اطاعت از امام معصوم (ع) در دیدگاه شیعی به عنوان جانشین نبی در میان امت، بزرگ‌ترین آفت وحدت است و بر این اساس انجام حکم ولی و امام معصوم (ع) بر همه پیروان واجب می‌گردد که می‌تواند به عنوان مرجع حل اختلاف، وظیفه الهی خود را به انجام رساند.

ب) اتحاد و انسجام دینی در کلام و سخن پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) بر اساس فرمان الهی مأمور به توصیه وحدت و یکپارچگی شده‌اند. ایشان به عنوان رهبر و امام امتی برگزیده؛ یعنی اسلام می‌باید هم در سخن و هم در عمل منادی وحدت باشد.

۱. توصیه بر پرهیز از تفرقه و تشتت

آن حضرت همواره در مقاطع مختلفی مسلمانان را از تفرقه و اختلاف، بر حذر می‌داشتند و زیانها و عواقب آن را گوشزد می‌کردند؛ از جمله می‌فرمودند: «قال الله عزوجل يا محمد اني اعطيتك اسلط عليهم عدوا من سوي انفسهم...» (ابن جنبل ۱۳۶۸ق، ح ۵۲۲۹)؛ [خداوند عزوجل فرموده است ای محمد! من برای امت تو چنین خواسته‌ام که دشمن بر آنان مسلط نگردد جز از خود ایشان که اگر (اختلاف) بین ایشان افتد، برخی دیگر را هلاک و یا اسیر کنند].

پس بر این اساس، تفرقه و تشتت خواست خداوند نیست و او چنین اراده نکرده است مگر آنکه مسلمانان خود بخواهند و چون بر اثر درگیری‌ها، عده‌ای عده دیگری را می‌کشند و اسیر می‌کنند، بدیهی است ضعیف شده و دشمنان برایشان مسلط خواهند شد و این از زیانها و عواقب سوء تفرقه است. تأکید رسول خدا (ص) برای پرهیز از تفرقه تا آنجاست که دستور اکید برای قتل تفرقه افکنان می‌دهد: «من اراد ان يفرق امر هذه الجماعه فاضربوه باسيف كائناً من كان» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۶۶) و نیز در جای دیگری زیانهای تفرقه

را چنین بیان می‌فرماید: «علیکم بالجماعه فانما یاکل الذئب من الغنم القاصیه، علیکم بالجماعه فاشیطان مع الواحد...» (ابن العربی، ص ۲۳۲)؛ [بر شما باد جماعت و وحدت؛ به درستی که گرگ گوسفندی را که از گله دور شده باشد می‌خورد؛ بر شما باد جماعت و وحدت؛ پس شیطان، یگانگی و وحدت را به تفرقه و دروی تبدیل می‌سازد. هر کس بخواهد به بهشت راه یابد باید با اجتماع همراه باشد.]

همچنین آن حضرت نقش شیطان را به عنوان عامل اصلی ایجاد تفرقه و اختلاف چنین بیان فرمودند: «یدالله مع الجماعه و ابلیس مع کل من تفرق الجماعه» (متنی الهندی، ۱۳۱۳، ج ۱، ص ۲۰۰۶) رسول خدا (ص) هلاکت را از دیگر نتایج سوء تفرقه بیان می‌دارند: «لاتختلفوا فان من کان قبلکم اختلفوا فهلکوا» (بخاری، ۱۳۱۳، ج ۵، ص ۱۰) و در جای دیگر ضمن دعوت به اتحاد، همه مسلمانان را برادر و آنان را ید واحد می‌دانند: «المسلم اخوا المسلم و المسلمون هم ید واحد علی من سوء هم تتکانونا و مائهم یحی بذنوبهم ادناهم» (همان، ج ۱، ص ۱۴۹) و نیز یک درجه بالاتر از سلم، رسول خدا (ص) مؤمن را پایه استوار برادر مؤمن خود می‌دانستند: «المؤمن للمؤمن کالبینان مرصوص یشد بعضه بعضا» (همان). آنگاه رسول خدا (ص) محوری برای اتحاد در آخرین روزهای حیات خویش و به عبارتی پس از خود به عنوان استراتژی کلی قرار دادند. آن محور اتحاد، جایگاهی برای اعتصام مؤمنان و مسلمانان برای گمراه نشدن بود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ان تمسکم بها لن یفترقا حتی یردا علی الحوض». (بلذری، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۱۰۸؛ این شهر آشوب، بی تا، ج ۳، ص ۲۰؛ حکای نیشابوری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۸۷)

۲. نفی برتری طلبی نژادی

از آنجا که برتری طلبی نژادی همواره می‌تواند یکی از مصادیق و عوامل تفرقه باشد، رسول خدا (ص) در سخنان و سفارشات خود به شدت این موضوع را مورد حمله قرار داده و کسانی را که به این امر اعتقاد دارند سرزنش می‌نماید. آن حضرت در سیره عملی خود نیز این موضوع را به شدت نفی می‌کردند که در بحث بعدی بدان اشاره خواهیم کرد. رسول خدا (ص) می‌فرمود: «ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل استنان المشط».

لافضل لعربی علی العجمی و لا لاحمر الاسود الا بالتقوی» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۶)؛ [یقیناً مردم از زمان آدم تا عصر ما چون دندان‌های شانه مساوی‌اند. عربی را بر عجم و سفید را بر سیاه برتری نیست، مگر به تقوی.] و این همان آموزه قرآنی است که رسول خدا (ص) به آن متمسک شده‌اند: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم». براین اساس رسول خدا (ص) تقوی را بهترین جانشین و جایگزین برتری نژادی می‌داند و آن را ملاک تقرّب به خداوند مطرح می‌کنند. آن حضرت ضمن خطبه‌ای طولانی در حجة الوداع که آخرین حج ایشان بود، در آن مراسم باشکوه و عظیم یک بار دیگر برتری طلبی نژادی را مطرود اعلام فرمودند: «یا ایها الناس ان ربکم واحد و اباکم واحد الا لافضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و لا لاسود و علی احمر و لا لاحمر علی الاسود الا بالتقوی» (ابن هشام، ۱۳۵۶؛ ج ۲، ص ۶۰۳). با وجود این، هنوز اندک زمانی از رحلت ایشان نگذشته بود که این سخنان به ورطه فراموشی سپرده شد؛ برتری نژادی عرب بر عجم مطرح شد؛ به غیر عرب موالی می‌گفتند؛ زیرا آنان باید با انعقاد پیمان با یک قبیله یا فرد عرب، دارای حقوق اجتماعی می‌شدند. آنان موالی عربها گشتند؛ یعنی تحت ولایت، پیمان و سرپرستی آنان قرار گرفتند و این جز برتری طلبی نژادی نبود.

اما رسول خدا (ص) در جای دیگری قومیت‌گرایی را نیز از عوامل ایجاد تفرقه و اختلاف ذکر کرده و آن را به شدت نفی فرمودند: «آنان که به قومیت خود تفاخر می‌کنند بدانند آن مایه‌های افتخار جز توشه (ذغال) جهنم نیستند و اگر آنان دست از این تفاخر بردارند، نزد خداوند از کثافتی که در بینی حمل می‌شود پست‌تر خواهند بود. (ابوداود، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۴۲)

۳. نفی قومیت‌گرایی و تفاخرات قبیله‌ای

عصری که رسول خدا (ص) مبعوث شدند، تفاخرات قبیله‌ای، نسب و حسب، عرق، رنگ، خون و افتخارات قبیله‌ای از ارزشهای مهم آن عصر که به عصر جاهلیت معروف است محسوب می‌شدند. هر قبیله‌ای می‌کوشید تا خود را نسبت به قبایل دیگر برتر بداند و

حسب و نسب و آبا و اجداد خود را و به عبارتی تبار خود را برترین قلمداد کند. از این رو، علم انساب و تبارشناسی از علوم و حرف ویژه و برجسته عصر جاهلیت بود. خون و پاکی آن، شرافت قبیله‌ای، عصیت، تبار و نسب حرف اول این جامعه بود. مردم عصر جاهلی با آن انس گرفته بودند و زدودن آن کاری بسیار دشوار بود. اما رسول خدا(ص) کوشید تا آن ارزشها را از میان ببرد و ملاکها و ارزشهای دیگری چون: تقوی، ایمان، اعتقاد، جهاد، احسان، ایثار، برادری و اخوت را جایگزین آنها سازد. آن حضرت برای نفی ارزشهای قومی و تفاخرات قبیله‌ای، هم در کلام و هم در عمل، بسیار کوشید و این تلاش ایشان البته نتایج پربرکتی به همراه داشت. آن حضرت(ص) می فرمودند: «ایها الناس ان الله قد اذهب عنکم نخوة الجاهلیة و تفاخرها بآبائها الا انکم من آدم و آدم من طین الا ان خیر عباد الله عبد اتقاه» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۶)؛ [ای مردم خداوند (در پرتو اسلام) افتخارات و خودستایی عصر جاهلی و مباهات به انساب و پدران را از میان شما برداشت. همگی از آدم خلق شده‌اید و او نیز از گل، بهترین مردم کسی است که از گناه و نافرمانی خداوند اجتناب ورزد] و نیز می فرمود: «من قاتل تحت رایة عمیه یدعو الی عصبیه، او یغضب نعصبیه، تقتله جاهلیه» (ابن ماجه، ۱۳۰۴، ح ۳۹۴۸)؛ [کسی که تحت پرچمی گرد آید که به سوی تعصب دعوت می کند یا برای عصیت می جنگد، اگر کشته شود به مرگ جاهلیت مرده است.]

۴. نفی ملی گرایی و ترویج جهان وطنی اسلامی

یکی از مصادیق و عوامل ایجاد تفرقه و اختلاف، ملی گرایی یا ناسیونالیسم افراطی است. عنوان ناسیونالیسم اصطلاح جدیدی است، اما تعلق خاطر به سرزمین و زادگاه از دیرباز وجود داشته است. بدیهی است هر کس نسبت به جایگاهی که در آن زاده شده است تعلق خاطر دارد اما اگر این وابستگی، موجب نفی و دوری از ارزشهای الهی و انسانی باشد، مذموم و ناپسند است که ما می توانیم از آن به ملی گرایی افراطی تعبیر کنیم. ملی گرایی افراطی همواره عاملی برای تحقق اهداف استعماری قدرتهای سلطه طلب بوده که

بدان وسیله، اتحاد جامعه اسلامی را دچار خدشه ساخته‌اند. نمونه عینی آن پس از جنگ اول جهانی و تقسیم امپراطوری عثمانی محقق شد. اما فی نفسه اعتقاد و تعلق خاطر به وطن و ملیت بر اساس این گفته «حب الوطن من الایمان» (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۳، ص ۲۰) مذموم و ناپسند نیست. رسول خدا (ص) هنگامی که ناچار به هجرت از مکه شدند در حیفه‌نگاهی به سوی سرزمین مادری‌شان کردند، آثار ناراحتی و غم و اندوه بر چهره‌شان را همه مشاهده کردند، آنگاه فرمودند: «به خدا سوگند تو بهترین سرزمین خدا و محبوب‌ترین زمینها نزد خداوند هستی. اگر مجبور نمی‌شدم هیچ‌گاه تو را ترک نمی‌کردم و از خاک تو خارج نمی‌شدم». این اندوه ادامه یافت تا آنکه جبرئیل فرود آمد و گفت خداوند عزوجل می‌فرماید: «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد...»؛ ای رسول ما آن خدایی که احکام قرآن را بر تو واجب گردانید تو را به جایگاهت باز می‌گرداند. وعده خداوند در سال هفتم محقق شد و رسول خدا (ص) مکه، زادگاه خود را فتح کرد، اما به رغم علاقه فراوانی که به آنجا داشت، چون پایگاه اصلی حکومت دینی را مدینه می‌دانست، همراه انصار به مدینه بازگشت.

در جنگ احد یک جوان ایرانی - که البته در برخی متون به اشتباه سلمان فارسی ذکر شده است^۱ در میدان جنگ بر دشمن ضربه‌ای فرود آورد و گفت: این ضربه را از یک عجمی (فارسی) بگیر. رسول خدا (ص) بلافاصله فرمودند: چرا نگفتی از یک جوان انصاری بگیر؟».

۵. ترویج روحیه برادری و محبت

رسول خدا (ص) بر اساس فرمان الهی که «انما المؤمنون اخوه»، برای ایجاد وحدت، همه مسلمانان را با یکدیگر برادر می‌خواند و عملاً نیز چنان که خواهیم گفت، پیمانی در این خصوص منعقد ساخت. آن حضرت مبنای روابط اجتماعی را برادری اسلامی بنیان نهاده و می‌فرمود: «المسلم اخ المسلم لا یظلمه» (مسلم، بی تا، ج ۸، ص ۲۰) و نیز در جایی دیگر ایشار را

۱. ابوداود در روایت مذکوره، از سلمان فارسی نام برده که قطعاً صحیح نیست؛ زیرا سلمان قبل از غزوه خندق وارد مدینه شد؛ یعنی در سال پنجم هجری، در حالی که جنگ احد در سال سوم هجری رخ داده است.

تحکیم کننده این روابط دانسته و می فرمود: «ولا يؤمن امدکم حتی یحب لایحه ما یخب لنفسه» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۷۷، ص ۶۷)؛ ایمان را در گرو دوستی و محبت و خواستن آنچه شخص برای خود می خواهد نسبت به برادر مؤمنش قرار داد و همه مسلمانان را به منزله یک جسم واحد معرفی فرمود که اگر عضوی از آن دچار درد و آسیب شود به سایر اعضا نیز سرایت می کند: «وتری المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطنهم مثل الجسد دلاشکی منه عضو تداعی له سایر الجسد و با سمر و الحمی»^۱ (محدث نوری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۶۸).

رسول خدا (ص) همچنین برای تحکیم برادری، به ترویج اخلاقیات و ارزشهای اخلاقی از جمله: محبت، ایثار، از خودگذشتگی، وفاداری و حتی افشای سلام بین مؤمنان می پرداختند. آن حضرت می فرمودند: «لاتدخلو الجنة حی تؤمنوا حتی تحابوا او لادلکم علی شیء اذا فعلتموه تحاببتم افشوا الاسلام بینکم» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۹) و نیز می فرمودند: «ان اولی الناس بالله من بدأ با سلام...»؛ [نزدیک ترین مردم به خداوند کسی است که در سلام پیشقدم شود، سلام را در میان خود گسترش دهید تا میان شما محبت ایجاد شود. به بزرگان احترام بگذارید و بر کودکان مهربانی کنید. از گمان بدنسبت به یکدیگر پرهیزید؛ زیرا گمان بد دروغ ترین سخنان است. از تجسس در امور دینی برادر مسلمان خود، بغض کردن و حسد نمودن و پشت کردن به او اجتناب کنید. با هم برادروار باشید. با یکدیگر قطع ارتباط نکنید، هر مسلمانی که سه روز برادر مسلمانش را ترک کند اگر بمیرد داخل آتش می شود. شما با هم برادرید، در حق برادر خود ظلم نکنید، او را حقیر شمارید. اگر یاری خواست کمک رسانید. ریختن خون مسلمان بر مسلمان دیگر و مالش و آبرویش حرام است، به مال یکدیگر دستبرد نزنید، آبروی همدیگر را حفظ کنید، از مظلوم حمایت کنید و ظالم را تقویت ننمائید و از همه کارهایی که منجر به عداوت و تفرقه می شود، دوری کنید]. (ر.ک. به: ابن هشام، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۶۰۳)

و نیز رسول خدا (ص) از آنجا که فقر را تهدیدی برای این اخوت و برادری و حتی

۱. این همان چیزی است که سعدی از آن الهام گرفته:

بسی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

ایمان می‌دانستند و از طرفی حمایت‌های مالی مسلمانان از یکدیگر را گامی برای تحکیم اخوت و برادری و به عبارتی وحدت می‌دانستند، لذا توصیه‌های فراوانی در این خصوص به مسلمان داشتند. آن حضرت علاوه بر احکام مالی و شرعی در اسلام مثل زکات، صدقه، رأیکی از راهکارهای مهم در این خصوص می‌دانستند. آن حضرت می‌فرمودند: «ان الصدقة لتطقي غضب الرب و تدفع ميتة اسوء و ايما مسلم كسا مسلماً توباً على عري كساء الله...»؛ [صدقه خشم خداوند را خاموش می‌سازد و انسان را از مرگ بد (بلا و مرگ ناگهانی) می‌رهاند. کدام مسلمانی است که برادر مسلمانش را بپوشاند تا خداوند او را از برگهای بهشت بپوشاند و کدام مسلمان برادر مسلمانش را اطعام می‌کند که خداوند از ثمره و میوه بهشت به او بخوراند و کدام مسلمان، برادر مسلمانش را سیراب کند تا خداوند از رحیق مختوم در بهشت او را سیراب کند.]

آن حضرت در جای دیگر می‌فرمود: «مسلمان کسی نیست که شکمش سیر باشد و همسایه‌اش گرسنه، خداوند در پی برآوردن حاجت مسلمان است، مادامی که آن مسلمان به دنبال برآوردن حاجت برادر خود باشد.»

ج) اتحاد و انسجام اسلامی در سیره نبوی

پس از مروری نظری بر اندیشه‌ها و سخنان پیامبر (ص) در خصوص اتحاد و انسجام اسلامی و دینی، لازم است مصادیق عملی اقوال و گفته‌های پیامبر (ص) را در سیره ایشان هم مورد توجه قرار دهیم و به عبارتی، راهکارهای وحدت عملی را در سیره نبوی مورد امعان نظر قرار دهیم.

۱. اتحاد ملی، پیمان مدنی (همزیستی مسالمت آمیز)

رسول خدا (ص) هنگامی که از مکه به سوی مدینه هجرت کردند، به شهری داخل شدند که در آن گروه‌ها، نژادها و مذاهب متنوعی وجود داشت و هر یک از آنان نیز قرن‌ها با یکدیگر رقابت و حتی درگیری داشتند. تنوع دینی و نیز نژادی در این سرزمین که قرار

بود پایگاه سیاسی و حاکمیت دین نو پای اسلام گردد، نیازمند و تدبیری حکیمانه بود تا با ایجاد اتحاد راهبری در بین تمامی اقوام، قبایل و مذاهب و نژادهای موجود در مدینه پایه‌های آن را استحکام بخشد. چنان که می‌دانیم بخشی از مردم مدینه از نژاد عرب شامل قبایل اوس و خزرج بودند و برخی نیز از نژاد عبرانی؛ یعنی یهودیان و برخی نیز که البته انگشت شمار بودند از نژاد سریانی و به مذهب مسیحیت. بیشتر اعراب به دین اسلام گرویده بودند، اما برخی هنوز مشرک و بت پرست بودند و مسیحیان نیز به دین خود باقی بودند رسول خدا(ص) در مرحله اول با الهام از راهبرد ترسیم شده از سوی خداوند (امت واحده) که در بحث قبل بدان پرداختیم، با برقراری پیمانی تحت عنوان پیمان نامه مدنی یا میثاق وطنی (همزیستی مسالمت آمیز) به ایجاد اتحاد پرداخت. ایشان در این پیمان نامه برای همه کسانی که در این منطقه (سرزمین) زندگی می‌کردند صرف نظر از مذهب، نژاد، قوم، قبیله و زبان، حقوقی یکسان وضع کردند و بین آنها پیوند اتحاد برقرار کردند که امروزه می‌توانیم آن را اتحاد ملی بنامیم. این پیمان نامه می‌توانست درگیری‌ها، کینه‌ها، اختلافات و پراکندگی‌های مردم ساکن در این سرزمین را به وحدت و همدلی و اتحاد تبدیل کند و یک جامعه مدنی را محقق سازد که عنوان، شعار و نیز ایده آل ما در عصر حاضر است. این پیمان نامه یا به عبارتی منشور وحدت ملی، بلافاصله پس از ورود رسول خدا(ص) به مدینه بسته شد و چهل ماده داشت که حقوق همه مردم ساکن در شهر یشرب اعم از مسلمان، مشرک، یهودی و مسیحی به عنوان یک شهروند تعریف می‌شد. در عصر حاضر یک شهروند صرف نظر از مذهب، نژاد، ملیت، قومیت و ... حق شهروندی دارد و حاکمیت، خود را موظف می‌داند که به حقوق آنان احترام گذارد و وظایفی را نسبت به آنان متقبل گردد. این کار در هزار و چهارصد سال قبل توسط رسول خدا(ص) به انجام رسیده است و می‌تواند الگویی برای ما در عصر حاضر باشد تا بدان وسیله بتوانیم اتحاد ملی خود را تضمین کنیم.

رسول خدا(ص) نامه را با این عنوان آغاز می‌کند که نشان می‌دهد آن حضرت می‌کوشد تا به همان راهبرد بزرگ قرآنی، امت واحده دست یابد:

«هذا کتاب من محمد النبی بین المؤمنین و المسلمین من قریش و من اهل یشرب»

رسول خدا(ص) در این عبارت: ابتدا از کلمه مؤمنین، که می‌تواند شامل اهل کتاب؛ یعنی مؤمنان اهل کتاب هم گردد و بیشتر منظور یهودیان بود، و سپس از عنوان مسلمین استفاده می‌کند و مشمولیت آن را مردم قریش (مکه) و ساکنان مدینه و هم‌پیمانان و ساکنان اطراف یثرب و حتی کسانی قرار می‌دهد که در نسلهای بعدی آنان (و من تبعهم) خواهند آمد. در این پیمان حتی مشرکان عرب (بت پرستان) مدینه هم وارد شده‌اند. اولین جمله‌اش این است: «انهم امة واحدة من دون الناس». این همان آموزه قرآنی است که ما در بحث گذشته به آن اشاره کردیم. بر این اساس، رسول خدا(ص) حکومت خویش را بر مبنای امت واحده آغاز می‌کند. قابل ذکر است در این پیمان مصرحاً گفته شده است کسی بدون اجازه رسول خدا(ص) حق خروج از این پیمان را ندارد. این نشان از اهمیت وحدت نزد رسول خدا(ص) دارد. آنچه مهم است اینکه در این پیمان نامه برای یهودیان همانند مسلمان حقوق برابر معین شده و آنان به عنوان شهروند حقوق یکسانی با مسلمانان یافته‌اند. تا وقتی یهودیان به این پیمان نامه پای بند هستند پیامبر(ص) روابط مسالمت آمیزی با آنان دارد، اما هنگامی که به وظایف خود بر اساس این عهدنامه عمل نمی‌کنند، رسول خدا(ص) با آنان وارد جنگ و پیمان شکستن را از مدینه اخراج و مجازات می‌کند. جنگهای بنی قیقاع، بنی نضیر و بنی قریظه به همین سبب وقوع یافت. این پیمان که بزرگ‌ترین قرارداد و سند تاریخی اسلام به حساب می‌آید، به اجمال چنین است: «این پیمانی است که محمد(ص) پیامبر خدا میان مسلمانان و مؤمنان قریش و یثرب و کسانی که از آنها پیروی کرده و با آنها در جهاد شرکت کردند منعقد ساخت. بند اول:

امضا کنندگان پیمان، امت واحده هستند. مهاجران قریش مانند گذشته در پرداخت خونبها باقی خواهند ماند، اگر فردی از آنها کسی را کشت (غیر عمد) یا کسی از آنان اسیر شد، باید در پرداخت خونبها یا خرید اسیرش او را کمک کنند. بنی عوف نیز بسان مهاجران قریش می‌توانند به رسومات خود عمل کرده و به طور دسته جمعی در پرداخت فدیة اسیران خویش سهیم باشند. آنگاه این روش را درباره دیگر قبایل انصار که مسلمان شده بودند نیز تسری داد. مسلمانان باید افراد در مانده را در پرداخت خونبها یا فدیة

اسیرشان کمک کنند، مؤمنان با تقوا باید در مقابل افراد سرکش و بیداد پیشه متحد شوند، هر چند شخص مجرم، فرزند آنها باشد.

هیچ فرد با ایمانی حق ندارد مؤمنی را به خاطر کشتن کافری بکشد. هرگز نباید کافری را به ضد مسلمانی یاری دهد. پیمان و عهد خدا با تمام مسلمانان یکی است، پست‌ترین آنها می‌تواند تعهداتی در برابر کفار به ذمه بگیرد. مسلمانان دوستان و پشتیبان یکدیگرند.

هر فردی از یهودیان مسلمان شود از کمک مسلمانان برخوردار شده و تفاوتی با دیگر مسلمانان نخواهد داشت و کسی حق ستم به او را نداشته و نباید دیگری را برضدش تحریک و دشمنش را یاری دهد.

در عقد پیمان صلح باید مسلمانان متحد باشند و هیچ مسلمانی بدون موافقت مسلمانان دیگر حق صلح ندارد جز بر مبنای عدالت و مساوات.

گروه‌های مسلمان باید به نوبت به جهاد روند تا در ریخته شدن خونشان در راه خدا نیز مساوات رعایت گردد. هیچ مشرکی از مشرکان مدینه حق ندارد از جان یا مال مشرکان قریش حمایت کند.

هر گاه کشته شدن مسلمانی به دست مسلمان دیگر با دلیل شرعی ثابت شود، قاتل محکوم به اعدام است مگر آنکه اولیای مقتول او را ببخشند و هر آینه مؤمنان باید برضد قاتل متحد باشند.

هر مؤمنی که این پیمان را بپذیرد و ایمان به خدا و روز جزا داشته باشد، حق یاری کردن بدعتگذار یا جنایتکار و یا پناه دادن او را ندارد مرجع حل اختلاف همیشه خدا و پیامبر اوست.

بند دوم:

در جنگ مسلمانان برای حفظ مدینه، باید یهودیان نیز سهمی از هزینه آن را عهده‌دار شوند.

یهودیان بنی عوف (تیره‌ای از انصار) با مسلمانان متحد و در حکم یک ملتند و هر یک در آیین خود آزادند مگر گناهکاران و ستمکاران که مایه هلاک خویش و خانواده خود هستند، این افراد از مسلمانها جدا بوده، نباید با آنها رابطه داشته باشند...

هیچ کس بدون اجازه محمد (ص) حق خارج شدن از این اتحادیه را ندارد. خون هر مجروحی (چه رسد به مقتول) از این افراد محترم است و هر کس خون کسی را بریزد باید قصاص شود مگر اینکه قاتل ستمدیده باشد.

در جنگهایی که یهودیان با مسلمانان در کنار هم شرکت دارند هزینه هر یک به عهده خود اوست و هر کس با متحدان این پیمان بجنگد، باید با اتحاد با او جنگید. مناسبات هم پیمانان براساس خوبی و نیکی است و باید از بدی دور باشد.

هیچ کس نباید در حق هم پیمان خود ستم روا دارد. در صورت ستم کردن، باید ستمدیده را یاری کرد.

داخل پُرب برای امضا کنندگان پیمان منطقه حرم اعلام می گردد.

جان همسایگان افراد پناه داده شده نیز بسان جان ما باید از ضرر محفوظ بماند. هیچ زنی بدون اجازه کسانش پناه داده نمی شود. مرجع حل اختلافات امضا کنندگان پیمان، چه مؤمن و چه غیر مؤمن، محمد (ص) است. قریش و هم پیمانان آنها پناه داده نمی شوند.

بند سوم:

امضا کنندگان این پیمان دفاع مشترک از مدینه را عهده دار می باشند. دعوت مسلمانان از یهودیان برای صلح باید از سوی آنان پذیرفته و دعوت یهودیان از مسلمانها برای صلح نیز باید اجابت شود، مگر اینکه دشمن با آیین اسلام و نشر آن مخالف باشد.

یهودیان اوس نیز مشمول این قرارداد هستند.

بند چهارم:

این قرارداد از ظلم و مجرم حمایت نمی کند هر کس در مدینه بماند در امان است و هر کس از آنجا بیرون رود تا زمانی که ستمکار و گناهکار نباشد در امان است. (ابن هشام، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۴، با تلخیص و اقتباس)

۲. پیمان مؤاخاة و برادری - انسجام اسلامی

علاوه بر برقراری پیمان اتحاد و تشکیل امت واحده که در دایره آن همه مردم این سرزمین صرف نظر از نژاد، ملیت و مذهب خود قرار می گرفتند، رسول خدا (ص) استراتژی

دیگری را طرح ریزی کرد که آن هم مثل استراتژی امت واحده از آموزه‌های قرآنی ملهم بود: «انما المؤمنون اخوة» (حجرات، آیه ۱۰). برقراری پیمان اخوت و برادری در میان مسلمانان دومین گام مهم رسول خدا(ص) برای ایجاد اتحاد بود که می‌توان آن را انسجام اسلامی نامید. این دایره که محدوده آن کوچک‌تر بود، صرفاً مسلمانان را در بر می‌گرفت. از آنجا که قبایل عرب یثرب در عصر جاهلیت طی سده‌های طولانی در جنگ و کشمکش و درگیری بودند و اختلافات و عصبیت قبیله‌ای، خونخواهی و کین خواهی بخش عمده‌ای از حیات سیاسی آنان را شکل می‌داد، پس از رهنمون شدن آنان به اسلام، می‌باید این اختلافات و کینه‌های دیرینه از بین می‌رفت. پیامبر(ص) به خوبی دریافتند که تنها در سایه اتحاد این امت می‌توانند حکومتی استوار و ماندگار برپا سازند و در برابر دشمنان متحدشان مقاومت کنند. در میان مردم ساکن یثرب، دو قبیله اوس و خزرج سالها با هم درگیری و رقابت داشتند. مجموع اعراب ساکن در مدینه را قحطانی می‌نامیم که در برابر مردم مکه یعنی؛ عدنانیان هم رقابتی دیرینه داشتند و هر دو جناح برای سلطه سیاسی بر شبه جزیره همواره با یکدیگر درگیر بودند. رسول خدا(ص) همراه تعدادی از صحابه خود از مکه که پایگاه عدنانیان بود به مدینه که پایگاه رقیب آنان؛ یعنی قحطانیان بود، مهاجرت کردند. پیامبر(ص) می‌باید از یک طرف بین مردم ساکن مدینه که هر یک دارای قبیله و تعصبات قومی بودند و از طرف دیگر بین آنان و مهاجران مکی پیوند اتحاد برقرار می‌کردند تا هر دو جناح در سایه وحدت اسلامی و در پرتو همبستگی دینی، کینه‌ها و نقارهای گذشته و دیرینه را به ورطه فراموشی سپارند. براین اساس، پیامبر(ص) پیمانی استراتژیک تحت عنوان مؤاخاة یا برادری بست و به همه مردم مدینه و مکه؛ یعنی دو جناح عدنانی و قحطانی و به عبارتی؛ مهاجر و انصار و نیز اوس و خزرج دستور داد تا هر یک با دیگری پیمان برادری ببندند. آن حضرت فرمودند: «تأخوا فی الله اخوین آخوین» (ابن مثنی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۵۰۵؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۲۷۷). رسول خدا(ص) با این پیمان از دشمنان دیروز، دوستان امروز ساخت. قرآن کریم نیز به خوبی این امر را روشن می‌سازد و به مسلمانان گوشزد می‌فرماید که به یاد آورید در گذشته (عصر جاهلیت) با یکدیگر دشمن بودید و خداوند بین قلوب شما الفت و دوستی

برقرار کرد (آل عمران، آیه ۱۰۳) و این دقیقاً اشاره به پیمان مواخاة و برادری دارد. رسول خدا (ص) قبل از آنکه این پیمان را بین مردم مدینه استوار سازد، زمینه‌های آن را در دوران بعثت در مکه فراهم ساخته بود. در آنجا نیز یک بار پیمان مواخاة و برادری را البته در میان مسلمانان مکه بست و آنان را با یکدیگر متحد و برادر ساخت (حلی شافعی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰). رسول خدا (ص) با انعقاد این پیمان، کینه‌ها و اختلافات دیرینه دو جناح قحطانی و عدنانی و نیز اوس و خزرج و سایر قبایل را از میان برد. در این پیمان، هر یک از مهاجران مسلمان باید با یکی از انصار و ساکنین مدینه برادر می‌شد یا هر یک از افراد قبیله‌های مدینه با قبیله‌های دیگر پیمان اخوت می‌بستند. این پیمان تا آنجا اهمیت داشت که پیامبر (ص) آنان را چون برادران واقعی قلمداد می‌فرمود که از یکدیگر حتی ارث می‌برند. البته حکم توارث بعد از جنگ بدر با نزول آیه «اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله» (انفال، آیه ۷۵) منسوخ شد (ابن مشام، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۱۲۳). آنان تا آخرین روزهای حیات خود می‌باید به این پیمان وفادار بمانند، در غمهای یکدیگر غمین و در شادی‌های یکدیگر شاد باشند، نیازهای یکدیگر را برآورده سازند و نیازمندان را بی نیاز کنند، اموال خود را با یکدیگر تقسیم کنند. انصار از برادران مهاجرشان بر اساس این پیمان پذیرایی کردند و آنها را در منازل خود جای دادند و سر سفره خود نشانند، هر چه داشتند با آنان تقسیم کردند، در جنگها غنایم را به مهاجران دادند و کوشیدند تا برادران خوب ایمانی برای مهاجران باشند... بر این اساس رسول خدا (ص) جامعه اسلامی را چون اندامی قرار داد که همه اعضای آن به هم پیوسته بودند.

هر یک از مهاجران با یکی از انصار یا هر یک از انصار از خزرج یا افراد اوس و سایر قبایل پیمان برادری بستند. پیامبر (ص) نیز از میان همه صحابه، تنها علی (ع) را برای خود برگزید: «ثم اخذ بيد علی بن ابی طالب فقال هذا اخي، فکان رسول الله سيد المرسلین و امام المتقین و رسول رب العالمین الذی لیس له خطیر و لما نظیر من العباد و علی بن ابیطالب اخوین...» (ممان، ج ۱، ص ۱۲۳)

تلاش برای استمرار اتحاد و برادری

رسول خدا(ص) کراهت زیادی داشتند از اینکه کسی به وحدت اسلامی خدشه وارد سازد. از این رو برخی از مواردی که می‌توانست این وحدت را دچار خدشه سازد احرام کردند؛ مثل قطع رحم، آزار مردم، بخل، کبر، عجب، طمع و حرص، افشای راز، حسد، بغض و کینه، سوء ظن، تحقیر دیگران، خدعه، غیبت و سایر صفات رذیله که بنیان مرصوص امت اسلامی را تهدید می‌کرد. رسول خدا(ص) همواره به استمرار این پیمان برادری می‌اندیشیدند و می‌کوشیدند تا نکات و صفات فاضله اخلاقی که می‌توانست برادری را تحکیم کند منتشر سازند مثل: ۱. افشای سلام، ۲. مضافه، ۳. اطعام، ۴. عیادت بیمار، ۵. تشییع جنازه، ۶. یاری ضعیف و مظلوم، ۷. حسن خلق، ۸. خوشرویی و...

رسول خدا(ص) می‌کوشیدند تا با نادیده گرفتن برتری طلبی‌های نژادی و تفاخرات قبیله‌ای، پیمان مواخاة را مستحکم سازند؛ چنان که بلال حبشی سیاه پوست را مؤذن خود قرار دادند و او مقامی والاتر از پیامبر(ص) یافت؛ سلمان فارسی که از نژاد عجم بود اهل بیت خود قرار دادند: «سلمان منا اهل البیت»؛ اسامه را که بنده زاده پیامبر؛ یعنی فرزند زید بن حارثه بود، به فرماندهی سپاهی منصوب کرد که بزرگان قریش و انصار در آن حضور داشتند در حالی که او هم از طبقه بندگان و هم جوان بود و چون اعتراض صحابه بلند شد، پیامبر(ص) آنان را نکوهش کرد و فرمود: به خدا سوگند اسامه لایق فرماندهی است، همان گونه که پدرش زید شایسته فرماندهی بود. (همان، ج ۲، ص ۶۴۱)

عبدالله بن سلام را که یهودی بود و مسلمان شد، پیامبر(ص) از اهل بهشت دانست و این آیه نیز در شأن او نازل شد: «و شهد شاهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم» (احقاف. آیه ۱۰). این آیه به آن اشاره دارد که عده‌ای نسبت به اسلام این یهودی با عجب و غرور برخورد کردند و به عبارتی؛ خود را برتر از او می‌دانستند. از این روست که امام علی(ع) می‌فرمود: پیامبر(ص) شکافهای اجتماعی را با وحدت، اصلاح و فاصله‌ها را به هم متصل کرد (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱). بر این اساس، رسول خدا(ص) خود نیز جایگاهش را نسبت به دیگران برتر قرار نمی‌داد، به گونه‌ای که اگر در میان جمعی می‌نشست تشخیص او ممکن نبود و این امر را عملاً به مردم نشان می‌داد.

از دیگر راهکارهای پیامبر(ص) برای استمرار مؤاخاة و برادری، حمایت از محرومان جامعه و طبقات ضعیف در برابر اغنیا بود و نیز مدارا و تحمل در برابر جریان نفاق؛ به گونه‌ای که در غزوه بنی مصطلق، به سبب اختلاف بین مهاجر و انصار برای برداشتن آب از چاه، منافقان سوء استفاده کرده، به تحریک یاران پیامبر(ص) و ایجاد اختلاف پرداختند و وقتی خیانت و نقش آنان روشن شد، برخی نزد پیامبر(ص) آمده و اجازه خواستند سرکرده منافقان، یعنی عبدالله بن ابی را به قتل برسانند اما پیامبر اجازه ندادند و با تحمل و مدارا نسبت به این افراد کوشیدند تا اخوت و برادری را تحکیم بخشند و همین کار را برای برخی دیگر از منافقان کردند و اجازه ندادند مسلمانان افراطی به جان مخالفان و سست ایمانان یفتند و با احساسات خود، وحدت و یکپارچگی جامعه را دچار خدشه سازند. (ابن هشام، ۱۳۵۶؛ ج ۲، ص ۶۵)

رسول خدا(ص) در غزوه بدر وقتی تصمیم به مقابله با مشرکان گرفت با انصار مشورت کرد و نظر آنان را جویا شد و دوست داشت آنان را کنار مهاجران در جنگ وارد سازد و به عبارتی؛ اتحاد نظامی برقرار کند که چنین شد و انصار گفتند ما در کنار برادران مهاجرمان تا هر کجا که بخواهید با شما خواهیم بود.

در غزوه احد وقتی نظر شورا بر خروج از مدینه و مقابله با مشرکان مکه قرار گرفت، رسول خدا(ص) به رغم آنکه به این امر اعتقاد نداشت و نمی‌خواست از حالت دفاعی در مدینه خارج شود، اما برای اینکه وحدت بین مسلمانان دچار خدشه نگردد، نظر مخالف را پذیرفت و به کوههای احد رفت؛ اگر چه این حرکت شکست تلخی را به دنبال داشت. آن حضرت در غزوه بنی قریظه فرمان داد که نباید کسی نماز عصر را جز در کنار قلعه‌های بنی قریظه بخواند و چون در مسیر حرکت برخی از صحابه از ترس قضا شدن نماز عصر، آن را در راه خواندند و برخی نیز به آنان متذکر شدند که پیامبر(ص) فرمان داده نماز را در بنی قریظه بخوانیم، پیامبر(ص) فرمودند: «آنان را مجبور نسازید تا مبادا تفرقه و اختلاف و کشمکش بین آنان بالا گیرد».

همچنین به هنگام تقسیم غنایم و اموال هوازن در جنگ حنین، وقتی پیامبر(ص) بیشتر

غنائیم را به مهاجران و نو مسلمانان مکه داد، اعتراض برخی از انصار را برانگیخت. اما رسول خدا(ص) کوشید تا آنان را قانع و دلایل خود را برای این کار به آنان تفهیم کند و آتش فتنه را خاموش گرداند که البته به بهترین وجه ممکن موضوع فیصله یافت.

رسول خدا(ص) برای استحکام هر چه بیشتر وحدت در جامعه، با یک اقدام مهم دیگر؛ یعنی بنای مسجد النبی(ص) و همکاری و همراهی همه مهاجران انصار در ساخت آن، یک مسجد واحد را برای نماز، همانند یک قبله واحد برگزید و این مسجد، مرکزی عمده در مدینه شد. پیامبر(ص) برای ایجاد وحدت به هیچ یک از مساجد موجود مدینه توجهی ویژه نکرد؛ چون ممکن بود سازندگان و مالکان آن مسجد در قبیله مورد نظر به تفاخر و عجب گرفتار آیند. لذا خود مسجدی را با دستان خویش ساخت و همه را برای اقامه نماز به آن دعوت کرد در نهایت مسجد ضرار را که مانع وحدت و مرکزی برای توطئه و خیانت و تفرقه بود و به دست منافقان ساخته شده و اداره می شد، تخریب کرد و سوزاند تا اساس فتنه و نفاق را اگر چه مسجد باشد نیز از میان برود.

اتحاد ملی در شبه جزیره

رسول خدا(ص) پس از آنکه با سیره و روشهای نظری و عملی خود موفق شد در داخل مدینه بین ساکنان شهر اتحاد برقرار کند و بر استمرار این وحدت در میان مسلمانان و غیر مسلمان در منطقه تحت حکومت خویش بکوشد، دست به یک راهبرد جدید در این خصوص زد و آن ایجاد اتحاد ملی در شبه جزیره، بین تمامی ساکنان این سرزمین بود. برداشتن این گام بسیار بزرگ و اساسی از جانب رسول خدا(ص)، نشان از آن داشت که ایشان فرستاده‌ای برای همه ملتها است. بر این اساس، آن حضرت پیمانهای متعددی را با سران قبایل مسلمان و حتی مشرک در تمامی شبه جزیره بست و در آنها همه را به یگانگی و وحدت و تبعیت از رهبری خویش فراخواند. آن حضرت علاوه بر آن کوشید تا بر اساس آموزه‌های قرآنی، تمامی مسیحیان شبه جزیره و حتی یهودیان خارج از مدینه را هم در این اتحاد وارد سازد و به عبارتی؛ یک سرزمین یکپارچه و متحد را تحت فرمان و سلطه الهی خویش گیرد. پیامبر(ص) با الهام از آیاتی از قرآن که اهل کتاب و مسلمانان

را به توجه به نقاط مشترک فرامی‌خواند، دست به این اقدام زد: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا لا نعبد الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله...» (آل عمران، آیه ۶۴). پیامبر (ص) ضمن مکاتبه و حتی محاجّه و مناظره با بزرگان نصارا و یهودا کوشیدند آنان را به یک نکته و سخن مشترک که بین همه ادیان الهی وجود دارد دعوت کنند و آن اینکه خدایی جز خدای یکتا را نپرستند و شرک نوززند و زیرسلطه‌ای جز فرمان خداوند قرار نگیرند. پیامبر (ص) در گام اول با آنان به مجادله در باب انتساب ابراهیم به خودشان پرداختند و بر اساس آیات الهی، ابراهیم را حنیف معرفی کردند و پیروی و تقرّب ایشان را بهتر از تلاش برای انتساب به خود دانستند (آل عمران، آیات ۵۵-۶۵). سپس رسول خدا (ص) بر اساس آیات الهی به تفکیک میان مسیحیان و یهودیان مؤمن و غیرمؤمن پرداختند (آل عمران، آیه ۷۵) آنگاه بر یگانگی مبانی دعوت انبیا تأکید کردند و شرک و تثلیث را در میان مسیحیان مذموم شمردند و نکوهش کردند و در باب حضرت عیسی و اینکه فرزند خداوند نیست و او هم بشری چون مخلوقات الهی است محاجه فرمودند. ماجرای مباحثه مسیحیان نجران از این دست است. در نهایت با تلاشهای پیامبر (ص) بسیاری از مسیحیان، مسلمان شده یا در اتحاد با مسلمان وارد شدند و برخی نیز جزیه دادند و رسول خدا (ص) موفق شدند جامعه‌ای یکپارچه و متحد تحت لوای حکومت دینی خود در سرتاسر شبه جزیره پدید آورند.

نتیجه

خداوند واحد و یکتا که یکی از صفات ذاتی‌اش توحید است، مردم را به پرستش یگانگی و دوری از پرستش خدایان متعدد دعوت کرده است. حضرت حق، در قرآن کریم بارها تأکید فراوان بر ایجاد اتحاد و وحدت کرده و راهکارهای آن را نیز به خوبی تشریح فرموده است یکی از راهکارهای مهم برای ایجاد اتحاد، طرح امت واحده است که خداوند می‌خواهد همه مردم، صرف‌نظر از نژاد، ملیت، قومیت، مذهب، زبان، نسب و حسب و قبیله در این دایره وارد شوند. کلمه امت در قرآن کریم و نیز با پسوند واحده، بیش از ۵۰ بار تکرار شده است و این نشان از اهمیت ویژه اتحاد و وحدت دارد. بر اساس آموزه‌های قرآنی، همه ابنای بشر، از آنجا که پدر و مادرشان یکی است باید با هم متحد

باشند و دین می‌تواند این پیمان اتحاد را محکم کند. براساس این آموزه‌ها، فلسفه دعوت و رسالت همه پیامبران بر مبنای توحید بوده است. بنابراین بشر نیز باید در حیات خویش بکوشد تا به اتحاد و توحید، با چنگ زدن به رسیمان الهی دست یابد و از پراکندگی و اختلاف خود را دور سازد تا مبادا دشمنان در آنان طمع کنند و با ایجاد تفرقه بین ایشان، آنان را خوار و ضعیف و سست سازند و سپس بر آنان مسلط گردند که این امر بر خلاف خواست و اراده خداوند است. رسول گرامی اسلام (ص) هم در اندیشه و هم در عمل، همواره کوشیده‌اند تا از یک طرف همه مردم را صرف نظر از نژاد، مذهب، ملیت و قومیت به عنوان امت واحده (براساس آموزه‌های الهی) با هم پیوند اتحاد زنند و از طرف دیگر، مسلمانان را در دایره‌ای کوچک‌تر بر اساس برادری و مؤاخاة با یکدیگر متحد سازند. نمونه‌های فراوانی از قول رسول خدا (ص) برای اهمیت اتحاد و وحدت و نیز مزیت و نکوهش اختلاف و تفرقه وجود دارد. علاوه بر آن، ایشان عملاً نیز با عقد پیمانهایی از جمله پیمان مدنی (پیمان همزیستی مسالمت آمیز) و پیمان مؤاخاة کوشیدند تا وحدت و اتحاد ملی و انسجام اسلامی را برقرار سازند. مهم‌تر آنکه کوشیدند تا این اتحاد را استمرار بخشند و موانع آن را از بین ببرند. بررسی تاریخ دوره حیات رسول خدا (ص) نشان می‌دهد که آن حضرت به خوبی کوشیده‌اند تا بر بحرانهایی که به سبب تفرقه و افتراق بین مسلمان ایجاد می‌شده، مسلط گردیده و آن را به نحو احسن مدیریت کنند تا مبادا دشمن از این افتراق و اختلاف سود برده و در جهت تضعیف مسلمانان بکوشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن خنبل، احمد بن محمد (۱۳۶۸ ق)؛ المسند، تحقیق؛ احمد محمد شاکر، مصر، دارالعارف.
۳. ابن شهر آشوب، ابن جعفر رشدالدين (بی تا)؛ المناقب الاثمه، تصحیح رسول محلاتی، قم، [بی تا].
۴. ابن العربی، محمد (بی تا)؛ العواصم و القواصم، چاپ بیروت.
۵. ابن کثیر، عمادالدين ابوالفداء (۱۳۵۱ ق)؛ البدايه و النهايه فی التاريخ، مصر مطبعة السعاده.
۶. ابن ماجه، ابی عبدالله (۱۳۰۴ ق)؛ السنن، تصحیح: محمد فؤاد عبدالباقي و محمد الاعظمی، ریاض، [بی تا].
۷. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۳۵۶ ق)؛ سيرة النبويه، تحقیق: محمد محی الدین، قاهره، [بی تا].
۸. ابوداوود، سلیمان (۱۴۱۰ ق)؛ سنن ابوداوود، تحقیق: سعید اللحام، بیروت دارالفکر.
۹. بخاری، ابو عبدالله محمد (۱۳۱۳ ق)؛ صحیح، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۰. بلاذری، ابی الحسن احمد (۱۹۷۴ م)؛ انساب الاشراف، حققه محمد باقر المحمودی، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. حسکانی نیشابوری، عبدالله (۱۳۹۲ ق)؛ شواهد التریل لقواعد التفضیل، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. حلبی شافعی، علی (بی تا)؛ السیره الحلبیه، بیروت، المكتبة الاسلامیه.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ ق)؛ الدرالمشور فی تفسیر بالمأثور، قم، مكتبه مرعشی النجفی.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا)؛ حجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، [بیجا]، [بی تا].
۱۵. کلینی، ابن جعفر (۱۳۶۳)؛ روضه کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، الاسلامیه.

۱۶. متقی الهندی، علاء الدین علی (۱۳۱۳ق)؛ کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال، هند، حیدرآباد.

۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۸ق)؛ بحار الانوار، تحقیق: سید جواد العلوی و محمد الآخوندی، تهران، [بی تا].

۱۸. محدث نوری، حسین (۱۳۸۲ق)؛ المستدرک الوسائل، تهران، اسلامی.

۱۹. مسلم، امام محمد (بی تا)؛ الصحیح بشرح الامام النووی، بیروت، دارالفکر.

۲۰. نهج البلاغه، صحیحی صالح، غم، هجرت ۱۳۵۹ و نیز فیض الاسلام.